



علم بدیع و سبک‌شناسی

احمد امیدوار

عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی خمین

چکیده:

تعریف‌هایی که از آرایه‌های بدیعی شده است همان است که بر اساس آن مکاتب گوناگون سبک‌شناسی را تأسیس کرده‌اند. سبک‌شناسی آوایی بیشترین ارتباط را با علم بدیع دارد، آرایه‌های لفظی در پی ایجاد یک موسیقی مورد پسند در اثر ادبی است. سبک‌شناسی ساختارگرا می‌گوید هیچ جزئی در اثر ادبی به تنهایی معنادار نیست و باید هر جزء را در ارتباط با دیگر اجزاء و کل سیستم بررسی کرد. اساس ابداع و تعریف برخی از آرایه‌ها «ترکیب اجزای کلام» با یکدیگر است مانند: احتباك و حذف، مطابقه، ایهام تضاد، مقابله، مراعات النظیر، تفویف، توریه، لفت و نشر و... «اسلوبیة الانزیاح» انحراف آثار ادبی را از هنجارهای متعارف زبان بررسی می‌کند. برخی از آرایه‌ها ارتباط بسیاری با مسأله هنجارگریزی دارند. مانند: استخدام، استطراد، تجرید، الخطاب العام، تجاهل العارف و اسلوب حکیم. از مباحث مورد توجه سبک‌شناسان مسأله «آشنایی زدایی» است آرایه‌هایی مانند: مشکله، حسن تعلیل و مبالغه بهترین دلیل برای وجود چنین اندیشه‌ای در نزد دانشمندان قدیم است. سبک‌شناسی تکوینی اثر ادبی را بازتاب روحیات و شخصیت ادیب می‌داند. هیچ یک از آرایه‌های بدیعی با چنین نگرشی ابداع نشده‌است. سبک‌شناسی توصیفی عبارات، جملات و کلماتی که مضمون مشترک دارند را با هم می‌سنجد و نتیجه می‌گیرد که این عبارات که محتوای یکسانی دارند از نظر عواطف و احساسات با یکدیگر فرق دارند. در علم بدیع نیز چنین اندیشه‌ای وجود دارد مانند آرایه تأکید المدح بمایشبه الذم» ولی کمتر بر اساس آن آرایه‌ها را ابداع کرده‌اند.

کلیدواژه:

علم بدیع، سبک، سبک‌شناسی.

مقدمه:

نخستین کسی که علم بدیع را وضع کرد و آرایه‌های آن را با یک نظام ساده شرح داد و این نام را بر آن گذاشت ابن معتر (۲۹۶هـ) می‌باشد. هدف اصلی وی از تألیف این بود که ثابت کند پدیده‌های زبانی که شعرای محدث به طور فراوان در اشعار خویش به کار می‌بستند در قرآن، حدیث و شعر شعرای جاهلی و اسلامی وجود داشته است و بشاربن برد، مسلم بن ولید، ابونؤاس و... هر چند بیشتر از این وسایل تعبیر زبانی استفاده کرده‌اند ولی پیشگامان استفاده از آنها نیستند [۱] شواهد و اشاره - هایی وجود دارد که پیش از ابن معتر نیز تلاش‌هایی در خصوص این علم شده است هر چند مستقل نبوده و برخی از مباحث بدیع با دیگر علوم مثل بیان آمیخته بود به عنوان مثال مسلم بن ولید (۲۰۸هـ) برخی از اصطلاحات علم بیان و آرایه‌های لفظی و معنوی مانند جناس و طباق را وضع کرد. [۲] جاحظ در کتاب البیان و التبین به این علم اشاره کرده و می‌گوید: علم بدیع مختص عرب است و به همین دلیل زبانشان بر دیگر زبان‌ها برتری یافته است. [۳] ولی وی اصطلاحات علم بدیع و تعریف - های علمی آن را ارائه نکرد و به توضیح و شرح انواع آرایه‌ها همت نگماشت. بدین ترتیب ابن معتر نخستین کسی بود که تلاش علمی و جدی را در تأسیس علم بدیع و ارائه اصطلاحات علمی آرایه‌های آن کرد.

در اینجا با چند سؤال روبرو هستیم: اساس طرح و ابداع آرایه‌های بدیعی چه بوده است؟ و همچنین آیا می‌توان آرایه‌های بدیعی را با نظرات علوم جدیدتر از جمله سبک‌شناسی نوین مرتبط دانست؟

پاسخ این سوال‌ها را در تعریف دانش سبک‌شناسی می‌توان جستجو کرد. برخی در تعریف سبک‌شناسی گفته‌اند: شیوه‌ای است که به بررسی ویژگی‌های زبانی می‌پردازد که کلام را از حوزه وسیله عادی بیان معانی به یک وسیله هنری مبدل می‌کند. [۴] از طرفی دیگر دانشمندان معتقدند که علم بدیع، شناخت شیوه‌های نکو کردن و زیبا کردن کلام است. [۵] این نکو کردن و زیبا کردن سخن به منظور هنری ساختن آن و ایجاد تأثیر در مخاطب است. بنابراین علم بدیع ارتباط